حاد [əkjuːt] adj. حاد

هنگامی که یک چیز بد حاد است، بسیار شدید و شدید است.

→ هنگامی که او از درخت افتاد، دختر احساس درد حاد را در بازوی او احساس کرد.

تجاوز

تجاوز [əgreʃən] n. تجاوز

تجاوز رفتار است که به معنی و یا خشونت آمیز به دیگران است.

→ مشکل تنها با تجاوز مارک بدتر شد.

ضیافت

ضیافت [bæŋkwit] n. ضیافت

یک ضیافت یک شام رسمی است.

→ هر دو خانواده غذا زیادی برای ضیافت عروسی آوردند.

زندگینامه

بیوگرافی [baiɒgrəfi] n. زندگینامه

بیوگرافی یک گزارش از زندگی شخصی است که توسط شخص دیگری نوشته شده است.

→ ما یک بیوگرافی در مورد چارلز داروین در کلاس علمی می خوانیم.

تقویت کردن

تقویت [buːst] v. افزایش

برای افزایش چیزی به معنای افزایش یا بهبود آن است.

→ کاهش قیمت ها علاقه مشتریان به خرید را افزایش می دهد.

کف زدن

CLAP [klæp] v. clap

به چنگ زدن به معنی به دست آوردن دست خود را با هم برای بیان لذت و یا توجه.

→ پس از سخنرانی، هر کس در جمعیت دستان خود را برای سخنران به دست آورد.

مجبور کردن

compel [kəmpel] v. compel

برای مجبور کردن کسی به انجام کاری بدین معنی است که آنها را مجبور به انجام آن انجام دهید.

→ نشانه های ترافیک رانندگان را مجبور به رانندگی با خیال راحت.

سلطه

سلطه [dɒmənəns] n. سلطه

سلطه یک فرد، وضعیت آنها قدرتمندتر از دیگران است.

→ گوریل های بزرگ به سینه های خود ضربه زده اند تا سلطه خود را بر دیگران بیان کنند.

جذاب

زرق و برق دار [gɔːrdʒəs] adj. جذاب

هنگامی که چیزی زرق و برق دار است، بسیار خشن و جذاب است.

→ دختر یک لباس زرق و برق دار را برداشت تا به رقص بپردازد.

اجتناب ناپذیر

اجتناب ناپذیر [Inevitəbəl] adj. اجتناب ناپذیر

هنگامی که چیزی اجتناب ناپذیر است، مطمئنا اتفاق می افتد یا نمی توان اجتناب کرد.

→ اجتناب ناپذیر است که روزها در تابستان طول می کشد.

میراث

میراث [leɡəsi] n. میراث

میراث یک اثر است که به دلیل یک فرد یا چیزی در گذشته وجود دارد.

→ میراث مصری های باستانی را می توان در آثار تاریخی خود مشاهده کرد.

شاهکار

شاهکار [mæstərpiːs] n. شاهکار

یک شاهکار یک نقاشی بسیار خوب، رمان، فیلم یا کار دیگر هنر است.

→ ARC De Triomphe یک شاهکار در جهان معماری محسوب می شود.

چندگانه

چندگانه [mʌltəpəl] adj. چندگانه

اگر چند چیز وجود دارد، بسیاری از آنها وجود دارد.

→ هنگامی که شیرین کاری اشتباه کرد، مرد آسیب های متعددی را متحمل شد.

روایت کردن

روایت [næreit] v. روایت

برای روایت یک داستان به معنای نوشتن در مورد آن یا خواندن آن با صدای بلند است.

→ این داستان توسط جان نوشته شده است، اما هارون آن را به جمعیت روایت می کند.

بدنام

بدبختی [noutɔːriəs] adj. بدنام

هنگامی که چیزی مشهور است، به دلیل چیزی بد شناخته شده است.

→ این منطقه از شهر برای فعالیت باند بدنام است.

منسوخ شده

منسوخ شده [autdeitid] adj. منسوخ شده

هنگامی که چیزی قدیمی است، قدیمی است و دیگر در زمان مدرن مفید نیست.

→ پخش کننده های نوار به دلیل موسیقی دیجیتال تبدیل شده اند.

به طور کلی

به طور کلی [ouvərɔːl] adv. به طور کلی

هنگامی که چیزی در مورد کلی صحبت می شود، همه چیز در نظر گرفته شده است.

→ به طور کلی، حزب موفقیت بزرگی بود.

تعصب

Partiality [ˌpɑːrʃiæləti] n. تعصب

بخشی از آن، تمایل به ترجیح دادن یک چیز به دیگری است.

→ او بخشی از راه رفتن به مدرسه به جای رانندگی است.

خود جوش

خود به خودی [spɒnteiniəs] adj. خود جوش

هنگامی که یک عمل خود به خودی است، برنامه ریزی نشده است. ناگهان اتفاق می افتد

→ همسر من تصمیم خود را برای خرید یک مبل جدید در حالی که من در محل کار بودم، تصمیم گرفتم.

تقوا

فضیلت [vəːrtʃuː] n. تقوا

فضیلت یک کیفیت خوب یا شیوه رفتار است.

→ بهترین فضیلت من بخشش است.

هدیه بتهوون

بتهوون آهنگساز عالی موسیقی کلاسیک در دهه 1800 بود. بسیاری از بیوگرافی نوشته شده اند که سلطه خود را در دنیای موسیقی روایت می کنند. اما آیا می دانید که واقعا او را ویژه می سازد؟ هرچند میلیون ها نفر از مردم شاهکارهای متعدد خود را شنیدند، او هرگز انجام نداد. بتهوون پس از اینکه به طور کامل ناشنوا رفت، بهترین قطعات خود را نوشت!

جنایت او نسبت به موسیقی کلاسیک زمانی که او بسیار جوان بود، توسعه یافت. او به هیچ چیز دیگری به عنوان یک کودک علاقه مند نبود. وقتی پنج ساله بود، او آموخت که چگونه پیانو را بازی کند. از آن به بعد، هیچ چیز نمی تواند اشتیاق خود را برای نوشتن و پخش موسیقی متوقف کند.

هنگامی که بتهوون بیست بود، او شروع به از دست دادن شنوایی خود کرد. او درد حاد، خودبخودی را در گوشش گرفت. شنوایی او در طول زمان بدتر شد. اجتناب ناپذیر بود که او در نهایت آن را به طور کامل از دست می داد. برای او بسیار سخت بود که موسیقی را حفظ کند. او فضیلت صبر و شکیبایی را از دست داد، و او برای تجاوز خود مشهود بود. با این حال، او هرگز تلاش نکرد. اشتیاق او برای موسیقی او را مجبور کرد حتی پس از اینکه ناشنوا را ادامه داد، ادامه داد. او نمیتوانست خودش را بشنود، اما او می دانست که خلاقیت هایش زرق و برق دار بود.

کنسرت نهایی او در یک ضیافت بزرگ برگزار شد. او به نوازندگان یک نشانه داد و شروع به بازی کرد. او این کنسرت را با تمام قلبش هدایت کرد. او نمیتوانست موسیقی را بشنود، اما او گفت که می تواند آن را احساس کند. به طور کلی، عملکرد یکی از بهترین در تاریخ بود. وقتی تمام شد، به جمعیت تبدیل شد. آنها چاق شدند و به شدت تشویق شدند. در آن لحظه زیبا، تشویق احساسات خود را افزایش داد، و او شروع به گریه کرد.

در سال 1827، او از مسمومیت سرب رنج می برد. او از بیماری زنده ماند، اما موسیقی او این کار را کرد، زیرا موسیقی بزرگ هرگز منسوخ نشده است. اگرچه بتهوون رفته است، میراث او برای همیشه زندگی خواهد کرد.